



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۵/۲۲

رفعت حسینی

محکوم نمودن بیخردانه محمد داود

پس از زمامداری رژیم بیدادگر و مستبد حزب خلق و بعد از تباهی و فساد طالبان و مجاهدین اسلامی، برخی از «وطنداران» آغاز نمودند به گامزدن بر راهی مفت و بی سنگلاخ اندیشیدن یعنی:

محکوم نمودن محمد داود!

محکوم نمودن همه جانبه داود و تمام زندگی او از روز تولد تا جان سپردن. و هزار البته نکوهش کودتای ۲۶ سرطان.

این هم میهنان بیشترینه باسواد می باشند. یا بریده از چپگرایی (پرچمی، خلقی، شعله یی و انشعابها) و یا آمیخته با پشتونیزم.

یگان بی عقل سیاسی و بی سواد در دانش مردم شناسی، داود را «مسبب» فاجعه ثور نیز می شمارند.

یعنی اگر داود و کودتایش نمی بود، کشتار ها و لندغری های کام، آگسا، خاد هم وجود نداشت. این «حضرات فیل» که مخالف داود اند، یک لمحہ هم خردمند نمیشوند که در مسیر فکر شان رخنه یی بدینگونه باز گردد:

اگر رژیم شاهی هم میبود خلقی، پرچمی جاسوس روس بشکلی از اشکال ممکن بر بادش مینمودند. فقط شیوه اش فرق مینمود.

کار کردهای محمد داود برای رفاه زندگی مردم و آنچه در وضعیت سیاسی ایجاد نمود، نبایستی، ساده بررسی و ارزشیابی گردد.

باید به تاریخ افغانستان، با فرهنگ بیمار و زمامداری ظالمانه دین و هجوم همیشگی قوم و تبار و لسان برآن، پی برده شود.

باید مستند و مستند و مستند و متکی بر موازین دانش و هم تاریخ ویژه جغرافیای سرزمین افغانستان، کاوشها و بررسیها نمود. نه از دروازه پف کردن و جیغ زدن و از دریچه قوم و تبار.

چنددهه پیش سخنوری بنام نصرت رحمانی سروده بود:

چاقوی من گناه ندارد

او خلق گشته است سینه بترد و غرق خون شود

مگر داود چاقو نبود.

او در دوران نخست وزیری خویش تلاش های خجسته یی در مسیر انکشاف مدنی و رفاه افغانستان بسر رسانید.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

باید فهمید که او، محمداود، در زمانی که نخست وزیر کشور بود، چه اندیشه های سیاسی و متمدن داشت؟ آیا وزرای همگام و همکار وی درین زمان، برای آبادانی سازمان های پرورش و آموزش و رهایی از بیماری در کشور چی و چها کردند؟

آیا واقعن داود دیکتاتور بود؟

آیا شهزاده سرخ بود؟

آیا سگرت امریکایی را با گوگرد روسی روشن می کرد؟

برای آموزش و پرورش، سلامتی مردم و انکشاف قریه های افغانستان چی کارکردهایی (در مجموع) در دوران نخست وزیری و ریاست جمهوری او بسررسید؟

آیا داود بسیار پشتون نیست بود؟

چندبار به لسان پشتو بیانیه رادیویی و تلویزیونی داد؟

باید دانست که:

یک: به چی دلایل موجهی رژیم جمهوریت را ایجاد نمود؟

دو: داود با نجیب، امین، ببرک، تره کی چی تفاوت های بنیادی دارد؟

سه: آیا داود جاسوس یک نیروی خارجی بود و بدستور آنان می برید و می درید؟

نادیده نباید گرفت:

الف: کودتای محمد داود برای از میان بردن رژیم شاهی را بایست از دریچه دانش های اجتماعی نگریست،

ب: اوضاع سیاسی اجتماعی اقتصادی دهه های سی و چهل افغانستان را در اندیشه نگه باید داشت،

ج: اوضاع فرهنگی و دینی را و شرایط زندگی مظلومانه بانوان را در درازی سده ها و در قرن ۲۰ بیاد باید نگهداشت،

د: مشروطه خواهی و ویش زلمیان و چپگرایی و رابطه داود با تره کی و خلقیها و با ببرک و پرچمیها و شعله یی ها و محمودی را نباید در تاق بالا گذاشت،

ه: چرا داود تنها کودتا را یگانه راه نجات برای افغانستان پیدا نمود!

و: مشاوران داود کدام آدمها بودند و آیا آگاهی سیاسی اجتماعی و تجربه داشتند.

در دفاع نامه داود خان بی نوا هم بنگرید:

خیلی سطحی و بیمایه و بی اندیشه یی متکی بر معاینات دانش های اجتماعی، درین روزگار باریدن باران مصیبت یعنی شهادت و سیلاب فاجعهء قهرمان شدن، داود هم از سوی پشتون های ملی گرا، یا شهید است یا قهرمان ملی و یا هم هر دو.

....